



پنجشنبه ۶ شهریور ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۲۹۹

فرهنگ وهنر

به عبارت دیگران

امام خمینی ونخستین فتوای صرف وجوهات شیعه برای غیر شیعه

در ۶ شهریورماه ۱۳۴۷ محمصدقای فقهی از اهالی عراق که با جبهه «برای آزادی فلسطین» همکاری می کرد پس



کردآورنده:نقی دراکام

از دیدار با امام، استفتای زیر را هم نوشت که آیا امکان کمک به مبارزان فلسطینی از وجوهات شرعی وجود دارد؟ و پاسخ مثبت امام، نخستین فتوایی است که اجازه رساندن وجوهات شیعه به غیرشیعه را جابز می داند.ضمنا این فتوا، مجوزی برای مبارزات چریکی علیه اسرائیلی ها هم بود.

«محضر مبارک پ پیشوای مجاهد و عظیم الشان حضرت مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آیت الله العظمی آقای خمینی- ادام الله ظله العالی. پیشوای جلیل القدر! از نظر مبارک پوشیده نیست که دست خیانت و جنایت پیشه کفار حربی یهود بر مسجد اقصی و زمین های اسلامی دیگری مستولی گشته و مسلمانان بیگناه آن سامان را آواره بیابان ها کرده است و اکنون به منظور استخلاص اماکن مقدسه واسترداد زمین های اسلامی جز مقاومت مسلحانه که به نام «عملیات فدایی» خوانده می شود، چاره ای نیست.

و در چنین شرایط و زمینه ای، آیا مسلمانانی که توانایی حمل سلاح و جهاد داشته، یا آنان که قدرت کمک مالی با مجاهدان را دارند، می توانند از این خدمت دینی سربچی نموده و اوضاع را نادیده بگیرند؟ و آیا جایز است که متمکنین در مقابل این خطر خانمان برانداز همچنان آرام ننشسته و از برای راندن کفار از زمین های اسلامی قدیمی بر نداشته و اقدامی نکنند؟ و در صورت وجوب مقاومت، آیا جایز است از مورد حقوق شرعیه از قبیل زکات و غیره درباره مسلح نمودن مسلمانان و تربیت آنان استفاده کرد یا خیر؟ متمنی است رأی مبارک را در این باره بیان فرمایید. ادام الله ظلمک، دستهای از فداییان».

«بسم الله الرحمن الرحیم. قبلا هم تذکر دادم که دولت غاصب اسرائیل، با هدفهایی که دارد، برای اسلام و ممالک مسلمانان خطر عظیم دارد و خوف آن است که اگر مسلمانان به آنها مهلت دهند، فرصت از دست برود و جلوگیری از آنها امکان پذیر نشود. و چون احتمال خطر متوجه به اساس اسلام است، لازم است بر دولت های اسلامی- بویژه - و بر سایر مسلمانان- عموماً - که دفع این ماده فساد را به هر نحو که امکان دارد بنمایند و از کمک به مدافعان کوتاهی نکنند. و جایز است از محل زکوات و سایر صدقات در این امر مهم حیاتی صرف نمایند.

از خداوند تعالی مسئلت می نماید که موجب تنبیه و بیداری مسلمانان را فراهم فرماید و دفع شر اعدای اسلام را از بلاد مسلمانان بفرماید. والسلام علی من اتبع الهدی. سیدروح الله موسوی خمینی».

صحیفه امام

جلد ۲، صفحات ۱۹۴ و ۱۹۵

آنچه گیر عرفات از قرارداد امروز اسلو آمد!

در آگوست ۱۹۹۳ هنگامی که درخواستی از عرفات برای ملاقات فوری او در تیرانا دریافت کردم، در شمال یمن به سر می بردم. من بلافاصله با هلیکوپتر به پایتخت برگشتم و رهبر ساف را در حالی ملاقات کردم که به نظر کاملاً هیجان زده و شادمان می رسید. او به من گفت مذاکرات صلح موفقیت آمیز بوده و اسرائیلی ها نیز به سمت ایالات متحده حرکت می کردند تا به دولت کلینتون درباره این دستوراد بزرگ خبر بدهند. گذشته از تمام موارد مطرح شده، عرفات روی این مساله تأکید داشت که در توافقنامه، بر تأسیس تشکیلات ملی فلسطینی با انتخاب رئیس جمهور و اعضای پارلمان ملی صحه گذاشته شده است.

چند هفته بعد، روزایی و من به مراسم امضای توافقنامه در کاخ سفید دعوت شدیم. در این مراسم که توسط بیل کلینتون برگزار شد، نخست وزیر رابین و یاسر عرفات قرار بود به صورت علنی «صلح» را اعلام کنند.

به طور خلاصه، توافق اسلو شامل عقب نشینی مرحله ای نظامیان اسرائیلی از کرانه غربی، تأسیس تشکیلات خودگردان فلسطینی با مقامات انتخاب شده و یک انتقالی پنج ساله که در جریان آن، امکان حل فصل معضلات و مسائل مهم تر و جدی تر از طریق مذاکره وجود داشته باشد، می شد. رابین، پرز و عرفات هر چند با دریافت جایزه صلح نوبل، به خاطر نقش تاریخی خود در رسیدن به این دستوراد مورد تقدیر قرار گرفتند اما در هر دو سو، عناصر تندرو مخالفت شدیدی را ابراز می کردند.

با وجود آنکه اسرائیل، ساف را به عنوان تنها نماینده فلسطینیان در مذاکرات صلح می شناخت و قبول داده بود طرف ۵ سال آینده پیشرفت بیشتری در عرصه صلح صورت بگیرد، عرفات در عمل موفق نشد در مواردی چون زمان بندی خروج و عقب نشینی نیروهای اسرائیلی از اراضی اشغالی نتیجه ای معین بگیرد. در واقع آنچه از موافقتنامه اسلو نصیب عرفات شد، تضمین تشکیل نوعی دولت فلسطینی و باقی ماندن خود در قدرت بود. عرفات در قدرت باقی می ماند تا بتواند امورات فلسطینیان را در کرانه غربی و غزه مدیریت کند. [در حالی که] اسرائیلی ها در این میان، هم خواسته های بیشتری داشتند و هم دستورادهای بیشتری نیز به دست آوردند.

جیمی کارتر

فلسطین، صلح؛ به جای تبعیض نژادی

علی عراقی

انتشارات صدیه

صفحات ۱۷۱ تا ۱۷۳

پیامبر اعظم (ص):

نگاه کردن فرزند به پدر و مادرش از روی محبت، عبادت محسوب می شود.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی

مدیر عامل: رضا شکیبایی

سردبیر: سید عابدین نورالدینی

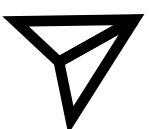
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۲۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۲۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۲۱۲۷
info@vatanemrooz.ir پست الکترونیک: vatanemrooz.ir

چاپ: موسسه جام جم پرتز برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

00:00



Instagram



بررسی سیر تطور مرجعیت طنز در ایران از مطبوعات مکتوب

تا ریلزهای اینستاگرام به بهانه توهین به فردوسی

قواعد درهم شکسته طنزاری

در ایران، به عنوان یکی از کهن ترین ابزارهای فرهنگی برای نقد، سرگرمی و اعتراض های

اجتماعی و سیاسی در چند دهه اخیر مسیری پر فراز و نشیب را پیموده است. این مسیر

از صفحات کاغذی نشریات طنز در دهه های ۶۰ و ۷۰، به جعبه جادویی تلویزیون در

دهه های ۷۰ و ۸۰ و اکنون به پلتفرم های دیجیتال مانند اینستاگرام و یوتیوب رسیده

است. هر دوره، با ویژگی های خاص خود، مرجعیت طنز را با باز تعریف کرده و بازیگران

جدیدی را به صحنه آورده است. در این نوشتار بر آن هستیم تا این فرآیند را با زوایای

کمیم؛ از دوران طلایی گل آقا تا ظهور کم دین های اینستاگرامی مانند زینب موسوی، که جنجال اخیرش بحث های داغی

را در فضای مجازی برانگیخته است. در این مسیر، به بررسی ریشه ها، بازیگران کلیدی، چالش ها و چشم انداز آینده

طنز در ایران می پردازیم و در پایان، به این پرسش پاسخ می دهیم که چه بر سر مرجعیت طنز در ایران آمده است؟!



آراز مطلب زاده



یا حتی توهین آمیز منجر شده است. جنجال هایی مانند مورد زینب موسوی نشان می دهند طنزپردازان عادی باید با دقت بیشتری به حساسیت های فرهنگی و اجتماعی توجه کنند. ویژگی قابل توجه بعدی این انتقال مرجعیت تعامل مستقیم با مخاطب است. برخلاف رسانه های سنتی، که ارتباط یک طرفه بود، در فضای مجازی مخاطبان می توانند به صورت مستقیم با طنزپردازان تعامل کنند. این تعامل از طریق کامنت ها و لایک ها، به کم دین ها کمک می کند تا سریعاً بازخورد بگیرند و محتوای خود را بهبود دهند اما این مؤلفه خود برساننده یک چالش دیگر است. طنزپردازان عادی که اغلب تجربه کمتری در مدیریت بحران های رسانه ای دارند، در معرض ریسک های بیشتری مانند انتقادات عمومی یا پیگرد قانونی قرار دارند. این موضوع بویژه در ایران، با توجه به حساسیت های فرهنگی و سیاسی، پررنگ تر است.

■ **طنز در دستان مردم: فرصت طلایی یا تهدیدی پنهان؟**
طنز در ایران از صفحات کاغذی گل آقا در دهه های ۶۰ و ۷۰ تا استوری های پرشتاب اینستاگرام و ویدئوهای یوتیوب در دهه های اخیر، سفری پرماجرا و تحول آفرین را طی کرده است. این مسیر نه تنها بازتاب دهنده تغییرات تکنولوژیکی و اجتماعی در ایران بوده، بلکه بخشی از هویت فرهنگی این سرزمین را نیز شکل داده است. در گذشته طنز در انحصار رسانه های رسمی مانند نشریات و تلویزیون بود اما امروز، با ظهور شبکه های اجتماعی، مرجعیت طنز به دست افراد عادی افتاده است. افرادی که اغلب بدون پیشینه حرفه ای در رسانه یا هنر، با یک گوشی هوشمند و ایده ای خلاقانه، به کم دین هایی بر مخاطب تبدیل می شوند. این انتقال مرجعیت، فرصت های بی نظیری برای دموکراتیزه شدن طنز و شنیده شدن صداهای تازه فراهم کرده اما در عین حال چالش هایی جدی مانند کیفیت پایین محتوا، جنجال های غیرضروری و ریسک های قانونی و اجتماعی را به همراه داشته است. انتقال مرجعیت طنز به افراد عادی هم یک فرصت طلایی است و هم یک تهدید پنهان. این پدیده می تواند طنز را به ابزاری قدرتمند برای بیان دغدغه های مردم، تقویت همبستگی اجتماعی و حتی نقد سازنده تبدیل کند اما بدون آگاهی و مسؤلیت پذیری، ممکن است به جنجال، سطحی نگری و کاهش اعتماد مخاطبان منجر شود. آینده طنز در ایران به این بستگی دارد که طنزپردازان عادی و مخاطبان شان چگونه این فرصت را مدیریت کنند. طنزی که هم خنده دار باشد و هم ماندگار، نه تنها می تواند جامعه را سرگرم کند، بلکه می تواند به ابزاری برای گفت و گو و یویایی اجتماعی تبدیل شود که ایران امروز بیش از هر زمان به آن نیاز دارد. با این حال به نظر می رسد حاکمیت نقشی مهم در این فرآیند دارد. حاکمیت باید بتواند ضمن حفظ حقوق مردم و پاسداری از فرهنگ عمومی جامعه، از انقیاد فضای مجازی و مسودسازی یویایی طبیعی طنز در ایران جلوگیری کند. اگرچه این امر واجد پیچیدگی هایی است اما ناگفته پیداست که یکی از مهم ترین رسالت های حکمرانی فرهنگی در آینده باید محقق ساختن این امر مهم باشد.

سخن گفت که از سوی قوه قضائیه «خلاف عفت عمومی» و «بی احترامی به مفاخر ملی» تلقی شد. این اظهارات واکنش های گسترده ای در شبکه های اجتماعی برانگیخت. برخی کاربران شوخی های او را توهین آمیز و بی ادبانه دانستند و معتقد بودند چنین محتوایی ارزش های فرهنگی مانند شاهنامه، به یکی از مهم ترین آثار ادبی ایران است، آسیب می زند. در مقابل، عده ای دیگر معتقد بودند مشکل اصلی نه محتوای طنز، بلکه استفاده از شوخی های سطحی و جنسی بود که به بی مزیگی منجر شده است. زینب موسوی در واکنش به این جنجال، از تجربه تحقیر آمیز خود در روند قضایی و مسود شدن صفحه اینستاگرامش، که منبع درآمد او بود سخن گفت. او در پستی اینستاگرامی نوشت که قصد توهین نداشته و تنها هدفش شوخی و سرگرمی بوده است.

■ **چگونگی و چرایی انتقال مرجعیت طنز**
در دهه های ۶۰ و ۷۰، نشریات تنها بستر فراگیر برای طنز بودند اما با گسترش تلویزیون و سپس اینترنت، رسانه های جدید امکان دسترسی گسترده تر و سریع تر به مخاطب را فراهم کردند. اینستاگرام و یوتیوب، با قابلیت انتشار سریع و تعاملی بودن، به کم دین ها اجازه دادند تا بدون واسطه با مخاطب ارتباط برقرار کنند. نسل جدید، بویژه دهه هشتاد و نودی ها، به دنبال محتوایی هستند که با سرعت و سبک زندگی دیجیتال آنها همخوانی داشته باشد. ویدئوهای کوتاه اینستاگرامی و پوتیوبی، که اغلب کمتر از چند دقیقه هستند، دقیقاً به این نیاز پاسخ می دهند. از طرف دیگر سانسور و محدودیت های محتوایی در تلویزیون، باعث شد بسیاری از طنزپردازان به فضای مجازی روی بیاورند، جایی که آزادی عمل بیشتری دارند. با این حال، این آزادی نیز بدون چالش نیست. همان طور که جنجال زینب موسوی نشان داد، میحث جالب دیگر به دموکراتیزه شدن تولید محتوا مربوط می شود. در گذشته، تولید طنز نیاز به زیرساخت های پیچیده ای مانند نشریه یا استودیوی تلویزیونی داشت اما امروز، هر فرد با یک گوشی هوشمند و دسترسی به اینترنت می تواند محتوای طنز تولید کند. این امر باعث شده مرجعیت طنز از نخبگان رسانه ای به افراد عادی منتقل شود. انتقال مرجعیت طنز به افراد عادی، که اغلب بدون پیشینه حرفه ای در رسانه یا هنر وارد این حوزه می شوند، ویژگی ها و پیامدهای متعددی دارد. خود را به گوش دیگران برسانند. این دموکراتیزه شدن، طنز را از انحصار رسانه های رسمی خارج و حتی به ابزاری مردمی تبدیل کرده است. حالا هر کس با یک ایده خلاقانه می تواند به یک کم دین محبوب تبدیل شود. افراد عادی از افشار و مناطق مختلف، دیدگاه های متنوعی را به طنز تزریق می کنند. این تنوع باعث شده طنز به مسائل محلی، قومی و حتی جنسیتی با زاویه ای تازه بپردازد. موضوع مهم دیگر چالش کیفیت و محتواست. در حالی که آزادی عمل در فضای مجازی فرصت های زیادی ایجاد کرده اما نبود نظارت حرفه ای گاه به تولید محتوای سطحی

از زبان ساده و شوخی های روزمره، توانست با مخاطبان گسترده ای ارتباط برقرار کند. سریال بزنگاه او، که به مسائل خانوادگی و معضلاتی مانند اعتیاد می پرداخت، نمونه ای از جسارت عطاران در عبور از خطوط قرمز بود اما همین جسارت باعث شد این سریال با انتقادات شدیدی مواجه شود و حتی دستور توقف پخش آن صادر شود. سروش صحت با سریال هایی مانند ساختمان پزشکان و شمع دونی، لیسانس ها و پژمان، طنزی مدرن تر و شهری تر ارائه داد که بویژه با نسل جوان همخوانی داشت. محسن تنبنده نیز با سریال پایتخت، که داستان یک خانواده مازندرانی را روایت می کرد، نشان داد طنز می تواند همزمان بومی، خانوادگی و اجتماعی باشد. این سریال با ترکیب کم دی موقعیت و شوخی های محلی، به یکی از پر بیننده ترین برنامه های تلویزیون تبدیل شد. این دوره، هر چند پرشکوه بود اما خالی از چالش نبود. محدودیت های ممیزی و حساسیت های فرهنگی، گاه باعث می شد طنزپردازان نتوانند به طور کامل دیدگاه های خود را بیان کنند. با این حال، تلویزیون در این دوره به بستری تبدیل شد که طنز را به خانه های میلیون ها ایرانی برد و آن را به بخش جدایی ناپذیر از فرهنگ عمومی تبدیل کرد.

■ **جهان دیجیتال و طنز بی مرز: اینستاگرام و یوتیوب در صدر**
با گسترش اینترنت پرسرعت و شبکه های اجتماعی در دهه ۹۰، مرجعیت طنز بار دیگر دستخوش تغییر شد. اینستاگرام، یوتیوب و بعدها تیک تاک به بستری تبدیل شدند که کم دین های جدید، بدون نیاز به ساختارهای پیچیده رسانه ای، محتوای طنز خود را مستقیماً به مخاطب ارائه می کردند. این دوره شاهد ظهور چهره هایی چون امیرحسین قیاسی، ابوطالب حسینی، مهیار حسن و زینب موسوی بود که با ویدئوهای کوتاه طنزآمیز، به سرعت در میان نسل جوان محبوب شدند. امیرحسین قیاسی و ابوطالب حسینی با ویدئوهای طنز خیابانی و شوخی های مستقیم با مردم، فضایی صمیمی و بی تکلف ایجاد کردند. این ویدئوها، که اغلب در قالب مصاحبه های خیابانی یا شوخی های فی البداهه تولید می شدند، به دلیل سادگی و نزدیکی به فرهنگ عامه، طرفداران زیادی پیدا کردند. مهیار حسن نیز با طنزهای اجتماعی و گاه سیاسی، که گاهی به موضوعات حساس مانند مشکلات اقتصادی و نابرابری می پرداخت، به یکی از چهره های برجسته این دوره تبدیل شد. زینب موسوی، یکی از معدود کم دین های زن در این فضا، با طنز بعضاً جسورانه و اغلب هنجارشکن خود، توجه زیادی را جلب کرد. او با استفاده از موضوعات روزمره و شوخی های اجتماعی، بویژه در اینستاگرام، توانست مخاطبان زیادی را جذب کند. اما این آزادی عمل در فضای مجازی، همراه با چالش هایی بود. نبود نظارت دقیق بر محتوای دیجیتال، گاه به تولید محتوایی منجر شد که از خطوط قرمز فرهنگی و اخلاقی عبور می کردند و جنجال آفرین می شدند.

■ **جنجال زینب موسوی: وقتی طنز به دادگاه می رسد**
یکی از جنجال های اخیر که بحث مرجعیت طنز و حدود آن را بار دیگر به میان آورد، مربوط به زینب موسوی بود. او در یکی از ویدئوهای خود در برنامه طنز، با ادبیاتی متفاوت درباره فردوسی و شاهنامه